

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش شصتم

۲۸ نومبر ۲۰۱۴

### ۴- سمت گیری حزب برای تعمیق انقلاب و ساختمان سوسیالیستی.

#### بر انداختن مظاهر اپورتونیزم

تحولات ۱۹۴۵ نخستین شالوده های اقتصادی و اجتماعی تکامل البانی را در راه سوسیالیسم ریخت. اینک می بایست سریعاً در این راه به پیش رفت و برای این کار لازم می آمد که تحولات آغاز شده را به خوبی به پایان رسانید و سمت گیری های عمده ساختمان سوسیالیسم را تعیین کرد.

ولی حل این مسأله در اثر نظریات و روش های اپورتونیزستی که در اجرای مشی حزب به ظهور رسیده بود به مانع بر می خورد. مروج آنها سیف الله مالیشوا عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب بود. سیف الله مالیشوا تظاهر مستقیم تسلیم طلبی در برابر فشار شدیدی بود که طبقات سرنگون شده و به ویژه امپریالیست های امریکائی و انگلیس بر دولت دموکراتیک و رهبری حزب کمونیست البانی وارد می کردند.

در جلسه هیأت سیاسی در دسامبر ۱۹۴۵ از مظاهر اپورتونیزم انتقاد شد و شدیداً افشاء گری به عمل آمد. ولی سیف الله مالیشوا با آن که هیچ تکیه گاهی برای نظریات خویش نیافت عنودانه به دفاع از آنها ادامه داد.

#### پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی

در فبروری ۱۹۴۶ از پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی دعوت به عمل آمد تا مسائل مربوط به سمت گیری حزب را در تعمیق انقلاب و ساختمان سوسیالیسم، حل و فصل کند.

پلنوم خاطر نشان ساخت که نظریات صریحاً اپورتونیزستی سیف الله مالیشوا در مسائل اقتصادی و سیاسی لطمه بسیار به مشی حزب زده است.

در واقع **سیف الله مالیشوا** اظهار نظر می کرد که سیستم نوین و دموکراتیکی که در البانی بر قرار گردیده باید سیستمی از نوع بورژوا - دموکراتیک باشد. او طرفدار تخفیف مبارزه طبقاتی بود، به نیروی طبقات سرنگون شده بیش از اندازه ارزش می نهاد و به نیروی حزب و خلق اطمینان نداشت، بر این عقیده بود که باید به بخش خصوصی سرمایه داری آزادی عمل کامل داده شود، از رشد بدون نظارت و نامحدود آن هواداری می کرد، با پشتیبانی از بخش کنوپراتیوی در شهر و روستا مخالفت می ورزید، در واقع مخالف ساختمان سوسیالیسم بود و به دفاع از رشد آزاد سرمایه داری بر می خاست.

**سیف الله مالیشوا** در سیاست خارجی از امپریالیسم می هراسید و در برابر قدرت وی جبهه سائی می کرد. به عقیده او سرنوشت آزادی و استقلال البانی، سرنوشت قدرت توده ئی، وابسته به امتیازات سیاسی و اقتصادی بود که به امپریالیسم امریکا و انگلستان داده شود و این امر ممکن بود تا حد انقیاد نسبت به آنها پیش رود. او می طلبید که میان اتحاد شوروی از یک سو و امریکا و انگلستان از سوی دیگر تفاوتی گذاشته نشود و نسبت به همه آنها روش یکسان اتخاذ گردد.

**سیف الله مالیشوا** با نظریات اپورتونیستی راست خویش به صورت ترجمان مدافع بورژوازی ملی و امپریالیسم در درون حزب در آمده بود، چاکر آنها شده بود. اگر این نظریات افشاء نمی شد و با آنها مبارزه به عمل نمی آمد مشی حزب را به خطر می انداخت و مانع ساختمان سوسیالیسم در البانی می گردید. بر انداختن این نظریات به صورت مسأله عاجل و حیاتی در آمده بود.

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی این نظریات را به سختی مورد نکوهش قرار داد و رد کرد و چون **سیف الله مالیشوا** در عقاید خویش عناد می ورزید پلنوم او را از هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب اخراج کرد. افشاء اپورتونیسم **سیف الله مالیشوا** به کمیته مرکزی امکان داد که حزب را به سوی رشد عمقی انقلاب سوسیالیستی در جبهه های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک توجیه کند. کمیته مرکزی، سمت گیری های اساسی ساختمان سوسیالیسم را در خطوط کلی تعیین کرد.

نخستین وظیفه ای که طرح شد عبارت از آن بود که صنعت، بازرگانی عمده فروشی داخلی و تمامی بازرگانی خارجی به دست دولت داده شود. مقرر گردید که در شهر ها و روستا ها کنوپراتیو های تولید و مصرف به وجود آید. دولت می بایست نظارت دقیق بر بخش خصوصی بر قرار کند و عناصر سرمایه داری را پیوسته محدود گرداند. رفیق **انور خوجه** راهی را که لازم بود حزب در زمینه اقتصادی ببیند، چنین توصیف کرد:

«همه چیز برای تقویت بخش دولتی. مبارزه بی امان علیه سرمایه خصوصی. کمک هر چه وسیع تر دولت به کنوپراتیو های مصرف و تولید.»<sup>۱</sup>

رهنمود کلی که به منظور رشد نیرو های تولید و بهره برداری از منابع طبیعی داده شد عبارت بود از ایجاد صنعت با تکیه اصلی بر استخراج معادن و برپا کردن صنایع سبک.

در مورد الغای مناسبات ارضی کهن که آغاز گشته بود تصمیم گرفته شد که رفرم ارضی به طور قاطع به عمل آید، تا پایان انجام گیرد و به جمعی کشاورزی مبادرت گردد. در عین حال می بایست رفرم های دولتی نمونه به وجود آید. دولت می بایست با وسائل مالی و افزار های کار به دهقانان زحمتکش کمک برساند و به تهدید کولاک ها دست بزند. رهنمود های عمومی در مورد رشد نیرو های تولید در روستا چنین مقرر می داشت: مکانیزه کردن کشاورزی، الغای خصلت یک جانبگی آن، ترویج کشت های جدید، توسعه دامداری، بهتر کردن اراضی و قوت دادن آنها.

<sup>۱</sup> - انورخوجه. گزارش به پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، ۲۱ فبروری ۱۹۴۶. بایگانی مرکزی حزب

پلنوم به منظور تعمیق انقلاب در زمینه آموزش و فرهنگ، به مثابه جزئی از اجزای متشکله انقلاب سوسیالیستی، مقرر داشت که رفرم آموزشی بر اساس موازین زیرین به موقع اجراء در آید: آموزش و فرهنگ از آن توده های وسیع خلق گردد و امتیاز اقلیت نباشد. مدرسه از روحیه سابق خود تهی و از روحیه ای نوین و انقلابی سرشار شود. بالاتر از همه این که بیسوادی از میان برود.

در تأمین ساختمان سوسیالیستی کشور، تربیت کادر هائی که مؤمن به ایدئولوژی مارکسیستی – لنینیستی باشند و در اثر تدارک فنی و حرفه ئی و درجه تحصیلات خویش بتوانند دولت و اقتصاد را رهبری کنند نیز اهمیت قطعی داشت. در زمینه سیاست خارجی، تأکید شد که وظیفه اساسی حزب عبارتست از مبارزه در راه دفاع از آزادی و استقلال میهن، در راه تحکیم دوستی با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشور های دموکراسی توده ئی، در راه دفاع از صلح جهانی. پلنوم به ویژه دستور داد که نسبت به امپریالیسم امریکا و انگلستان که خطر عمده برای استقلال ملی و رژیم دموکراتیک توده ئی ما از آنها ناشی می شد روش صریح و قاطع و اصولی اتخاذ شود.

آن سلاح قاطعی که می بایست در مقابله با وظائف جدید ناشی از رشد سوسیالیستی به کار برده شود باز هم قدرت توده ئی بود. می بایست کارشناسان سابق که در این دستگاه کار می کردند تحت نظارت دائم قرار گیرند تا از نفوذ شیوه های بوروکراتیک جلوگیری به عمل آید. به منظور تقویت جبهه دموکراتیک تصمیم گرفته شد که سراسر صفوف جبهه از عناصر دشمن پاک گردد.

بالاخره عملی ساختن کلیه وظائف ناشی از تعمیق انقلاب و ساختمان سوسیالیسم اقتضاء می کرد که خود حزب با تمام قواء تقویت شود و نقش او در رهبری و سازماندهی سراسر زندگی کشور ارتقاء یابد. از این جهت پلنوم پنجم تصمیم پلنوم چهارم را مبنی بر دعوت نخستین کنگره حزب تأیید کرد و مقرر داشت که کنگره در ۲۵ مه تشکیل شود. اما تصمیم مذکور در اثر مداخلات رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی بی نتیجه ماند و کنگره برای مدت نامعینی به تأخیر افتاد.

ادامه دارد...